

Explaining the security strategy of the Islamic Republic of Iran towards Afghanistan

Afshin Mottaqi Dastnae

Corresponding Author, Associate Professor, Department of Political Geography Faculty of Geographical Sciences, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

Email: a.mottaghi@khu.ac.ir

0000-0000-0000-0000

Hassan Yaghoubnia

Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran.

Email: yaghoubnia@meybod.ac.ir

0000-0000-0000-0000

Shirkhan Anwari

Ph.D. student of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: anwarishirkhan03@gmail.com

0000-0002-5647-1130

Abstract

A long time has passed since the forced separation of the neighbors from Iran's civilized territory; This civilizational center, with its position as a crossroads in the geography of West Asia, has always had a legacy of hidden and open threats from its neighbors. Among Iran's 15 neighbors, Afghanistan is the unic among others; Because in the past few decades, Iran has been at the forefront of threats of Afghanistan. With the Rushing out of America from Afghanistan, the balance of power once again changed in favor of the Taliban, and the security puzzle of Afghanistan took on new dimensions. Therefore, the authors were looking for an answer to the question: "What are the ideal strategies of the Islamic Republic of Iran to regulate the neighborhood relations with the Afghanistan?" The research inputs have been collected in the library method and analyzed in the framework of components of security, neighborhood policy and economic diplomacy; The methodology of the text has a descriptive-analytical. The findings of the research show that the Islamic Republic of Iran should adjust its relations with its eastern neighbor with a strategic approach in such a way that through active economic diplomacy and gaining the support of the international community, it can deal with the triple threats reproduced in Turn the Afghanistan field of the Taliban into economic and security opportunities for yourself. The result of the research showed that it is possible to solve the security mystery of Afghanistan with the effectiveness of Iran's economic diplomacy and the cooperation of effective regional and extra-regional actors.

Keywords: Afghanistan, opium, refugees, Islamic fundamentalism, neighborhood policy, economic diplomacy.




تبیین راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان

افشین متقی دستائی

نویسنده مسئول، دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.


Email: a.mottaghi@khu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

حسن یعقوب نیا

استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.


Email: yaghoubnia@meybod.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

شیرخان انوری

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: anwarishir Khan03@gmail.com

 0000-0002-5647-1130

چکیده

دیرزمانی است که از جدایی اجباری همسایگان، از قلمرو تمدنی ایران می‌گذرد؛ این مرکز تمدنی، با موقعیت پیوندگاهی در جغرافیای غرب آسیا، همواره میراث‌دار تهدیدات پنهان و آشکار از سوی همسایگان خود بوده است. در میان ۱۵ همسایه ایران، افغانستان یگانه است؛ چراکه در چند دهه گذشته، ایران در خط مقدم تهدیدات جهانی صادره از سوی افغانستان قرار داشته است. با خروج آمریکا از افغانستان، بار دیگر معادلات قدرت به نفع طالبان دچار تغییر شد و معمای امنیتی افغانستان ابعاد جدیدی به خود گرفت. از این رو، نگارندگان در پی پاسخ به این سؤال بودند که، راهبرد مطلوب فراوری جمهوری اسلامی ایران برای تنظیم مناسبات همسایگی با افغانستان چیست؟ درون‌دادهای پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری و در سپهر مؤلفه‌های مفهومی و نظری امنیت، سیاست همسایگی و دیپلماسی اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است؛ روش‌شناسی حاکم بر متن از ماهیتی توصیفی-تحلیلی برخوردار است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که جمهوری اسلامی ایران با رویکردی راهبردی، می‌بایست مناسبات خود را با همسایه شرقی به‌گونه‌ای تنظیم کند تا از رهگذر دیپلماسی فعال اقتصادی و جلب همراهی جامعه جهانی، بتواند تهدیدات سه‌گانه بازتولید شده در میدان افغانستان طالبان را به فرصت‌های اقتصادی و امنیتی تبدیل نماید. نتیجه پژوهش نشان داد که حل معمای امنیتی افغانستان در سایه فاعلیت دیپلماسی اقتصادی ایران و همراهی بازیگران مؤثر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امکان‌پذیر است.

کلیدواژه‌ها: افغانستان، پناهجویان، بنیادگرایی اسلامی، سیاست همسایگی، دیپلماسی اقتصادی.



مقدمه و بیان مسئله

همسایه از همسایه ارث می‌برد؛ این ضرب‌المثل کهن، نمودی از اهمیت و جایگاه حیاتی و بنیادی همسایه در اندیشه ایرانی است. اما این سخن پیشینیان که پهنایی به‌اندازه تاریخ دارد، نکته عمیق و درعین‌حال مبهمی در خود جای داده است. باینکه هرگز در عالم واقع، همسایه میراث‌دار اموال همسایه خود نبوده است؛ اما چیزی گران‌بهارتر از آن، برای همسایه خود به ارث می‌گذارد. احساس امنیت، کلیدواژه همسایگی است. درواقع این امنیت است که به ارث می‌رسد؛ اما متأسفانه درچند دهه گذشته، ایران از این ارث محروم بوده است. درهای همسایگان ایران یا بسته‌بوده یا اگر گشوده بوده‌اند از آن‌ها تهدید و تنش سرازیر شده است. در میان این همسایگان، افغانستان کشوری ویژه با تهدیدات امنیتی خاص است؛ به‌طوری‌که می‌توان آن را یگانه کشوری در جهان با این جنس از تهدیدات دانست. کریمی‌پور معتقد است: «افغانستان با ۵۷ منبع تنش و مشاجره پایه‌ای با همسایگانش تقریباً در قبال هر همسایه، ۱۰ منبع مشاجره فعال یا پنهان دارد». وی ایده‌ای بس گران و سنگین مطرح می‌کند؛ به باور او «اگر ایران تنها با کشور افغانستان هم‌مرز بود، آسیب‌پذیری‌های ناشی از تعدد منابع مشاجره با این دولت، برای دغدغه‌های بلندمدت امنیتی‌اش کافی به نظر می‌رسید» (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص. ۹۰). هرچند این حقیقت بسیار تلخ است ولی درعین‌حال نیز، نیازمند توجه ویژه و راهبردی در جهت رفع آن است.

به نظر باید سرنوشت تلخ افغانستان را در چهار دهه مستمر جنگ داخلی آن جست‌وجو کرد؛ جنگ‌هایی که باعث شد تا این کشور، به یکی از کشورهای ناامن، متشنج، خطرناک و فقیر دنیا تبدیل شود. حائل بودن افغانستان را می‌توان یکی از مؤلفه‌های اساسی جذابیت آن برای حضور نیروهای خارجی دانست؛ چراکه همین موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در اواخر قرن نوزدهم، افغانستان را به یک کشور حائل بین روسیه و انگلستان تبدیل کرد و نهایتاً به اشغال انگلستان درآمد (حافظ‌نیا، ۱۴۰۰). با اجبار قهری و نظامی بریتانیا، افغانستان از ایران جدا شد؛ اما هنوز به‌عنوان عضوی جدایی‌ناپذیر از خانواده ایران باقی‌مانده است. با حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان در دهه ۸۰ و نیز حمله همه‌جانبه ایالات‌متحده آمریکا در اوایل قرن بیست‌ویک، این همسایه میراثی جز سیل پناهجویان، عملیات تروریستی و قاچاق مواد مخدر برای ایران نداشته است. با خروج آمریکا از افغانستان ابعاد جدیدی از تهدیدها و فرصت‌ها در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی فراروی ایران قرار گرفته است.

ایران در طی این دو سال تلاش کرده، با مذاکرات و ایجاد روابط دیپلماتیک و احترام دو جانبه، تا حد امکان از تهدیدات به وجود آمده بکاهد. همچنین با برقراری روابط تجاری در کوتاه‌ترین زمان ممکن، ایران توانسته بازار مقصد فروش کالاهای خود را پایدار نگه دارد. با این وجود باید توجه داشت که ایران خط مقدم این سه تهدید جهانی است و رویارویی به‌تنهایی با آنها باعث افزایش نگرانی‌های امنیتی بیشتری خواهد شد. در نتیجه ایران در کنار ایجاد روابط همسایگی پایدار با افغانستان، باید در جهت تقویت سازوکارهای بین‌المللی برای رفع این تهدیدات فعال شود. با توجه به تصویری که از وضعیت کنونی افغانستان ترسیم شد، این پرسش اساسی قابل طرح است که راهبرد مطلوب فراروی جمهوری اسلامی ایران برای تنظیم مناسبات همسایگی خود با افغانستان طالبان کدام است؟ جمهوری اسلامی ایران با رویکردی راهبردی، باید مناسبات خود را با همسایه شرقی به‌گونه‌ای تنظیم کند تا از رهگذر دیپلماسی فعال اقتصادی و جلب همراهی جامعه جهانی، بتواند تهدیدات سه‌گانه بازتولید شده در میدان افغانستان طالبان را به فرصت‌های اقتصادی و امنیتی تبدیل نماید. از همین رو در این پژوهش بر آنیم راه‌کار کاربردی خود را با نگاهی توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به شیوه‌ای کتابخانه‌ای، در سپهر مؤلفه‌های مفهومی و نظری «امنیت»، «سیاست همسایگی» و «دیپلماسی اقتصادی» تدقیق کنیم.

۱. پیشینه پژوهش

نوشتار پیش‌رو به‌مانند پژوهش‌های علمی صورت‌گرفته، ناشی از تهدیدات امنیتی دائمی و هر روزه‌ای است که از سوی افغانستان متوجه ایران و در مرحله بعد، جهان شده است. در ارتباط با موضوع پژوهش، مطالعاتی با عناوین ذیل مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت، که نگارندگان را همچون چراغ راهی، در جهت رسیدن به ایده‌های جدید راهنما بود.

«عسکری کرمانی و صفار» (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای ظهور دوباره طالبان برای دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان»، «اسماعیلی و فراهانی» (۱۴۰۱) در مقاله «پیامدهای امنیتی خروج آمریکا از افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران: با تاکید بر گسترش تحرکات گروهک‌های تکفیری و تروریستی»، «حسینی و دیگران» (۱۴۰۱) در نوشتار «مسئولیت حمایت و استیلای طالبان بر افغانستان در پرتو دیالکتیک هنجارهای بشری»، «منوری و دیگران» (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد چین جهت گسترش همکاری با طالبان پس از خروج آمریکا»،

«ترابفرد و دیگران» (۱۴۰۱) در نوشتاری با عنوان «خنثی‌سازی تحریم و جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل به‌مثابه نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، «یوسف زهی و دیگران» (۱۳۹۷) در مقاله «آسیب‌شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (۲۰۱۸-۲۰۰۱)»، «رامیار و دیگران» (۱۳۹۷) در نوشتار «نقش کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی-اجتماعی افغانستان»، «خلیلی و دیگران» (۱۳۹۲) در مقاله «پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: افغانستان و ایران)»، «عباسی و رنجبردار» (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن» و «کریمی‌پور» (۱۳۷۹) در کتابی با عنوان «مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)» از مباحث گوناگونی در حوزه افغانستان سخن به میان آورده‌اند. این پژوهش تحت تأثیر قدرت‌گیری طالبان، طرحی نو را در قبال تهدیدات افغانستان، مدنظر قرارداده است؛ به‌طوری‌که با بررسی سه چالش بنیادین در جغرافیای سیاسی افغانستان، به دنبال ارائه راهبردی ملی برای تبدیل تهدیدهای افغانستان به فرصت‌های سیاسی، امنیتی و به‌ویژه اقتصادی است.

۲. مبانی نظری

برای تبدیل میراث سراسر ناامنی و تهدید همسایه شرقی ایران، با استفاده از سه مؤلفه و مفهوم اصلی ذیل عناوین «امنیت»، «سیاست همسایگی» و «دیپلماسی اقتصادی»، می‌توانیم قطعات گم‌شده معمای پازل امنیتی افغانستان را تکمیل کرده و به تصویری روشن از راه‌کارها و راهبردهای عملی در جهت تأمین منافع ملی ایران دست یابیم.

۲-۱. امنیت

امنیت، مفهوم محوری رابطه ایران با همسایه شرقی خود است. تمامی نوشتار در جهت تأمین این اصل اساسی همسایگی نگاشته شده است. امنیت، واژه‌ای عربی است و معادل‌هایی همچون «ایمن‌بودن و بیم‌نداشتن» دارد. معادل فارسی امنیت در متون کهن «زندهار و زندهاری» عنوان شده است. این واژه منعطف، می‌تواند شامل ترس از تهدیدهای بزرگ علیه بشریت و یا مسائل کوچک باشد (متقی، ۱۳۹۵، ص. ۳۱). در واژه‌شناسی یا اتیمولوژی امنیت، حس عدم تهدید مهم‌ترین مؤلفه است. درواقع،

امنیت احساس برخاسته از وجود ساختارها و فرایندهایی است که در پرتو آن فرد یا واحد خود را در برابر هرگونه گزند (عینی یا ذهنی)، پایدار و ماندگار تلقی کند (کاوایی‌راد، ۱۳۹۰، ص. ۸۲).

۲-۲. سیاست همسایگی

«همسایگی» به‌عنوان مفهومی به درازای تاریخ بشر، هم از منظر عرفی و هم دینی بسیار ارزشمند است. اصطلاح «واحد همسایگی»^۲ به‌عنوان مفهومی مبتنی بر توسعه و عمران را اولین بار «کلرنس‌پری»^۳ در دهه ۱۹۲۰ در تهیه طرح توسعه نیویورک و حومه معرفی نمود. این اصطلاح بعدها از دانش معماری و شهرسازی به دیگر دانش‌های علوم انسانی از جمله جغرافیا، علوم سیاسی و روابط بین کشورهای مجاور وارد شد. «همسایه»^۴ واقعیتی جغرافیایی، و همسایگی بیشتر ابعادی عرفی- اخلاقی دارد؛ و اهمیت بحث همسایگی از همین‌جا و از همین تفکیک آغاز می‌شود. این اهمیت با انتقال از فرد به گروه و واحدهای بزرگ‌تر جغرافیایی چون کشورها، ابعادی مضاعف می‌یابد (Chuny, 2006: 217).

از نظر جغرافیای سیاسی، کشور همسایه، کشوری است که با مرز یا سرحد از کشور دیگری جدا شده است. مرز، عامل تشخیص و جدایی دو واحد متشکل سیاسی از همدیگر است. روابط بین این دو واحد متشکل سیاسی را روابط بین همسایگی می‌توان نامید. همسایه نه‌فقط آغاز سیاست خارجی یک دولت، بلکه، هم‌زمان با آن، آغاز سیاست‌های امنیتی یک دولت نیز می‌باشد (راوندی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۳).

نظریه همسایگی مبتنی بر رویکردی هنجاری به روابط خارجی است. این نظریه می‌گوید کشوری که مبتکر سیاست همسایگی یا آغازکننده این سیاست است، بر مبنای عقلانیت ارتباطی هزینه می‌کند تا در آینده سود مادی همسایگی را برداشت نماید. پیش‌نیاز اصلی سیاست همسایگی، ظرفیت فرهنگی و تمدنی بالا، تاریخ ممتد تأثیرگذاری بر جوامع پیرامونی و جذابیت‌های فرهنگی و تمدنی است (موسوی‌نیا، ۱۴۰۱، ص. ۱۱۸).

1. Neighboring
2. Neighborhood Unit
3. Perry, Clarence A
4. Neighbor

۲-۳. دیپلماسی اقتصادی

برای حل معمای امنیتی افغانستان، نگرش تک‌بعدی و کوتاه‌مدت، توانایی لازم و کافی را ندارد. در همین راستا، برای ایجاد مناسبات اقتصادی پایدار و امنیت‌محور، باید مجموعه‌ای از عوامل را به کار گرفت. دیپلماسی اقتصادی یکی از مؤلفه‌های اساسی در این مسیر است.

دیپلماسی اقتصادی را می‌توان فصل مشترک بین منافع اقتصاد ملی و سایر منافع سیاسی، امنیتی و فرهنگی کشور در سطح نظام اقتصاد سیاسی جهان دانست. دیپلماسی اقتصادی مرتبط با موضوعات سیاسی اقتصادی است و به‌مثابه ابزاری در دستان دیپلمات‌های فعال در این حوزه نزد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی عمل می‌کند. کنشگران این عرصه در تعاملات دیپلماتیک تلاش دارند تا متناسب با مخاطب و شرایط خود از ابزارهای متنوعی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم استفاده نمایند. این رفتار در مواردی همچون هویج و چماق گنجانده می‌شود (دهقانی فیروزآبادی و صالحی، ۱۳۹۱، ص. ۷۷-۷۸). دیپلماسی اقتصادی در کلی‌ترین وجه خود در حدفاصل میان اقتصاد بین‌الملل و سیاست بین‌الملل قرار می‌گیرد و می‌توان آن را به‌عنوان شیوه‌ها و فرایندهایی توصیف کرد که از طریق آن دولت‌ها از فعالیت‌های فرامرزی اقتصادی، برای تحقق منافع ملی خود بهره می‌گیرند (عسکری کرمانی و صفار، ۱۴۰۱، ص. ۹۹). دیپلماسی اقتصادی از سه ویژگی برخوردار است؛ نخستین ویژگی، بین‌رشته‌ای بودن آن است که از تعامل میان اقتصاد، سیاست و امنیت ناشی می‌شود و نمایانگر نوعی توازن میان ژئوپلیتیک و ژئواکونومی است. دومین ویژگی، ناظر بر فراوانی کنشگران در دیپلماسی اقتصادی است؛ به این معنا که دیپلماسی اقتصادی در انحصار دولت‌ها نیست و کنشگران غیردولتی نیز بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر می‌گذارند؛ سومین ویژگی دیپلماسی اقتصادی، چندسطحی بودن آن است. اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی می‌توانند به‌طور هم‌زمان در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی انجام شوند (ارغوانی پیرسلامی و علی‌پور، ۱۴۰۱، ص. ۳۲).

۳. یافته‌های پژوهش

افغانستان را می‌توان در دو سطح ماکرو و میکرو به نظاره نشست. موقعیت حائل این کشور و ویژگی استراتژیک آن باعث شده تا در طول تاریخ همواره محل قدرت‌نمایی نیروهای فرامنطقه‌ای باشد. بریتانیای کبیر برای جلوگیری از ورود و نفوذ روسیه

تزاری به سمت هندوستان، این مستعمره بزرگ و ثروتمند، افغانستان را تسخیر و به‌زور از ایران جدا کرد. بعدها روسیه در شکل جدید خود یعنی اتحاد جماهیر شوروی، تلاشی دوباره را برای تسلط بر افغانستان آغاز نمود. این بار نیز آمریکا با تجهیز مجاهدین افغانستانی موسوم به طالبان توانست مانع ورود دوباره این کشور به این منطقه استراتژیک و حائل شود. این مسئله در اوایل قرن بیست‌ویک بار دیگر با لشکرکشی ایالات‌متحده آمریکا به بهانه حادثه ۱۱ سپتامبر، ابعاد جدیدی به خود گرفت. شاید بتوان همسایگی افغانستان با چین را مخرج مشترک دیگری برای جنگ بیست‌ساله خانمان‌سوز دانست. به نظر می‌رسد با خروج آمریکا از افغانستان و با تسلط دوباره طالبان بر این کشور، تا دهه‌ها و شاید سده‌ها هیچ قدرت بزرگی در جهان، خود را وارد این باتلاق عظیم نکند. این کشور تحت تأثیر جنگ‌های خانمان‌سوز به رهبری قدرت‌های بزرگ منشأ سه بحران بزرگ در جهان بوده است که برخی از این بحران‌ها، حاصل ویژگی‌های ذاتی و درونی این کشور، و برخی دیگر نتیجه جنگ‌ها و ناامنی‌های طولانی است. بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، نبود نظارت و دولتی مقتدر این کشور را به بزرگ‌ترین توزیع‌کننده مواد مخدر در جهان تبدیل کرده است. در کنار این بلای صادراتی افغانستان، پناهجویان جنگ‌زده همواره به دنبال مأمنی برای استقرار درجایی غیر از وطن خود بوده‌اند که درنهایت، ایران، پاکستان، اروپا و امروزه ترکیه را مقصد نهایی خود برای رهایی انتخاب کرده‌اند. همچنین فضای قومی، دینی، سنتی، فقر روزافزون و نبود تحصیلات عمومی دولتی باعث شده‌اند تا افغان‌ها در کنار پاکستانی‌ها، بهترین گزینه‌های عضویت در گروه‌های بنیادگرای اسلامی باشند. درواقع این ساده‌ترین توضیح در مورد این سه تهدید جهانی افغانستان بود. باید توجه داشت که به‌قدری مسائل افغانستان تحت تأثیر عوامل و مؤلفه‌های پیچیده، نامنظم، نامتعادل و نامتقارن است که یافتن ریشه‌ها، علل و درنهایت راه‌حل‌های این بحران‌ها کاری بس ناممکن می‌نماید. اما تلاش برای حل بخشی از این پازل معمای افغانستان می‌تواند قدمی هرچند کوچک در جهت منافع ملی ایران و حتی امنیت جهانی باشد.

در این نوشتار برای رسیدن به طرحی معنادار از پازل‌های پیچیده و تکه‌تکه افغانستان، ناگزیر به اولویت‌بندی شده‌ایم. سطح اول، تهدیدات جهانی و در سطح دوم، تهدیدهایی که متوجه ایران است را مدنظر قرار داده‌ایم. در همین راستا در بخش اول یافته‌های پژوهش، به کنکاش و تحلیل سه تهدید جهانی افغانستان پرداخته‌ایم.

در مرحله دوم، امکان و راه‌حل‌های تبدیل این تهدیدات به فرصت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای ایران را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

۳-۱. بازتولید سه‌گانه تهدید جهانی در افغانستان طالبان

مشکلات امنیتی و اقتصادی، این کشور را به سمت‌وسوی فضایی برای تولید و توزیع مواد مخدر در جهان، سوق داده است. حتی با تسلط طالبان و ممنوعیت اعلامی کشت خشخاش، آمار بیانگر این است که در دو سال اخیر میزان تولید مواد مخدر در افغانستان افزایش یافته است. در کنار این مسئله، موج پناهندگان افغان مطرح است که به دلیل جنگ‌های طولانی، زیرساخت‌های ضعیف اقتصادی برای تأمین معیشت، مردم افغانستان به امید زندگی بهتر، به سمت ایران، پاکستان، ترکیه و در نهایت اروپا رهسپار می‌شوند. این مسائل و چالش‌ها، زمینه و بستر مساعدی را برای تهدید بزرگ‌تری، تحت عنوان بنیادگرایی فراهم نموده است؛ و باعث شده تا در فضای سنتی، مذهبی و قومی خاص افغانستان، بنیادگرایان جای پای محکمی برای خود فراهم سازند. القاعده را می‌توان محصول فقدان امنیتی دانست که بر اثر تهاجم قوای اتحاد جماهیر شوروی و حمله ایالات متحده آمریکا پدید آمد و بعدها در اشکال مختلفی به‌مانند داعش بازتولید و فعال شد. برای یافتن راه‌حل مؤثر در جهت منافع ملی ایران، شناخت صورت مسئله و معمای تهدیدهای افغانستان امری حیاتی است. با تسلط طالبان در دو سال اخیر این سه بحران در ابعاد و اشکال جدیدی بازتولید شده‌اند.

۳-۱-۱. ژئوپلیتیک مواد مخدر؛ توزیع در جغرافیای جهانی

هرگونه پژوهشی درباره افغانستان بدون توجه به اقتصاد تریاک یا «اقتصاد سیاه» ناقص است و هر تلاشی برای تبدیل «اقتصاد جنگ» به «اقتصاد صلح» باید با دیدن نقشی همراه باشد که تریاک در اقتصاد سیاسی افغانستان ایفا می‌کند (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۴۹). گردش مالی سه هزار میلیارد دلاری اقتصاد تریاک باعث شده تا بازیگران متنوع و متعددی در سه سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی دست به نقش‌آفرینی و تبدیل آن به اقتصادی سودآور و درعین حال خانمان‌سوز بزنند (زرقاتی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۱).

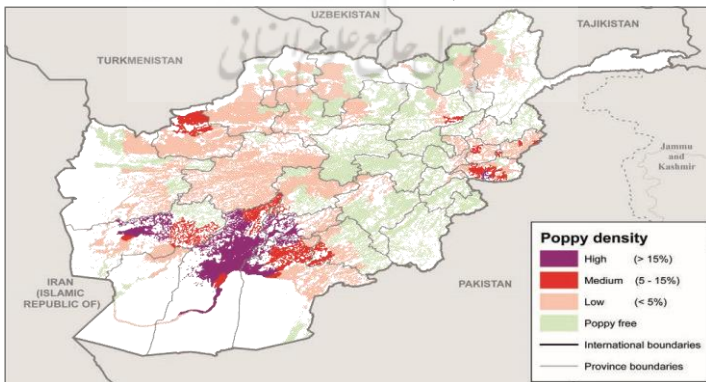
باید توجه داشت که افغانستان در طول تاریخ به‌صورت سنتی تولیدکننده تریاک در سطح جهانی نبوده است. به‌طوری‌که در اوایل قرن هجدهم تنها مقدار کمی تولید

تریاک در بدخشان آن‌هم برای مصرف محلی گزارش شده است. از آغاز قرن بیستم، مقادیر کمی از این محصول در هرات، غرب افغانستان و در ننگرهار، شرق افغانستان کشت می‌شد؛ اما از اواخر دهه ۱۹۷۰ اتفاقاتی موجب شد تا افغانستان به‌مرور به مرکز تولید تریاک جهان بدل شود. روند صعودی تولید تریاک از ۱۰۰ تُن در سال ۱۹۷۱ به ۸۰۲۰۰ تُن در سال ۲۰۰۷ یک‌روند همواره صعودی را نشان می‌دهد که جز در برخی سال‌های خاص حفظ شده است. در این روند به‌مرور افغانستان از برمه پیشی می‌گیرد و به‌مرور سهم خود در بازار را به ۹۳ درصد می‌رساند (نوروزی، ۱۴۰۱).

هم‌زمانی اوج‌گیری تولید مواد مخدر با حمله نظامی اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان به‌هیچ‌عنوان اتفاقی نیست. هرج‌ومرج ناشی از حضور قدرت‌های بزرگ، بهترین بستر برای توزیع تریاک در سطحی جهانی بوده است. به نظر می‌رسد با تسلط طالبان بر افغانستان در دو سال اخیر هیچ تغییر اساسی در کاهش میزان کشت و تولید مواد مخدر روی نداده است.

اجبار طالبان در اثر تحریم‌ها، عدم به رسمیت شناخته شدن از سوی جامعه جهانی و مسدودسازی اموال افغانستان توسط قدرت‌های غربی، در کنار عدم وجود حکم حرام شرعی برای این ماده مخدر، باعث شده تا این گروه به‌رغم ممنوعیت اعلامی کشت خشخاش، برای تأمین معیشت افغان‌ها در این شرایط سخت پس از جنگ، چشم خود را بر روی تولید مواد مخدر ببندند. همچنین پایبندی مجاهدین طالبان به عدم استفاده از این مواد در افغانستان آن‌ها را به این استدلال رسانده که در بهترین حالت این بلای عظیم گریبان مشرکان و کافران را در کشورهای دیگر خواهد گرفت.

شکل شماره ۱: نقشه تراکم کشت خشخاش در زمین‌های کشاورزی افغانستان، ۲۰۲۲



Source: National monitoring system implemented by UNODC

دره‌مین‌راستا، باتوجه به گزارش تحقیق منتشرشده توسط دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۱، در سال ۲۰۲۲، کشت تریاک در افغانستان با ۳۲ درصد افزایش نسبت به سال قبل، به ۲۳۳.۰۰۰ هکتار رسیده است.

شکل شماره ۲: سطح زیر کشت تریاک و تولید تریاک در افغانستان (۱۹۹۴-۲۰۲۲)



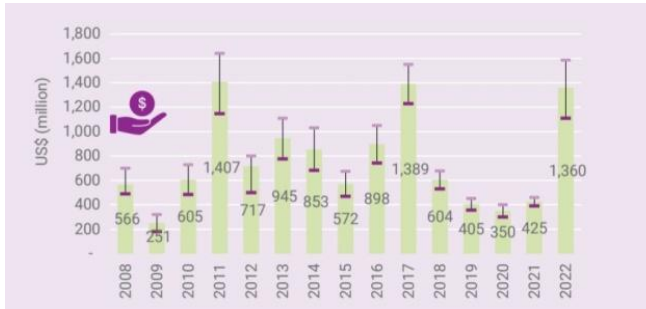
Source: National monitoring system implemented by UNODC

آمار ارائه‌شده از سوی دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد بیانگر حقیقتی بسیار تکان‌دهنده و درعین‌حال عجیب است. حتی باوجود ایجاد دولت مرکزی توسط آمریکا، افغانستان صدرنشینی خود را در تولید مواد مخدر، بیش از هرزمان دیگری ثابت کرده است. به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۷ که جمهوری اسلامی افغانستان با حمایت ناتو و قدرت‌های غربی، حکومت را در دست داشت، میزان تولید مواد مخدر در این برهه زمانی رکورد تاریخی را ثبت کرده است.

در واقع لزوماً قانون اعلامی از سوی دولتی گماشته، نمی‌تواند به الزام عملی برای مردمان افغانستان تبدیل شود؛ چراکه ساختار جغرافیایی و ویژگی‌های قومی و دینی خاص این کشور مانع اصلی در این مسیر است.

باید تأکید کرد که تهدید مواد مخدر در مقایسه با تهدیدهای دیگر، چالشی پایدار و ماندگار است. همچنین براساس گزارش مذکور، درآمد کشاورزان از فروش تریاک از ۴۲۵ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ به ۱/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسید.

شکل شماره ۳: ارزش تریاک در مزرعه، ۲۰۰۸-۲۰۲۲



Source: National monitoring system implemented by UNODC

این مبلغ هنوز تنها بخشی از درآمد حاصل از تولید و قاچاق در داخل کشور است. کشف و ضبط مواد افیونی در سراسر افغانستان نشان می‌دهد که قاچاق تریاک و هروئین افغانستان متوقف نشده است و افغانستان ۸۰ درصد تقاضای جهانی مواد افیونی را تأمین می‌کند. تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان دارای آثار و پیامدهای زیانباری برای همسایه‌های این کشور به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است.

شکل شماره ۴: مسیر ترانزیت تریاک افغانستان به سایر نقاط دنیا



منبع: سام گیس، ۱۴۰۱

معبّر اصلی انتقال مواد مخدر تولیدی در افغانستان به بازارهای اروپا از راه فضای سرزمینی ایران، در برگیرنده چند امتیاز کمتر قابل جایگزین است؛ این معبر نسبت به معبرهای کشورهای شمالی و جنوبی تک جداره است. در واقع انتقال مواد از طریق آسیای مرکزی به اروپا، نیازمند عبور این مواد از فضای سرزمین چند کشور است، درحالی‌که معبر ایران بدون واسط دیگری به ترکیه و اروپا منتهی می‌شود. کوتاهی مسیر و فضاهای تقریباً خالی (کویر پهناور لوت و کویر نمک) بخشی از این امتیازات است. همین ویژگی ممتاز معبری، باعث حمل گالن (مورفین) این مواد از ایران به

اروپا بوده است؛ یکی از نتیجه‌های ورود این مواد به ایران، بالارفتن آمار معتادان و جرم و جنایت‌های ناشی از ترانزیت و توزیع این مواد در کشور بوده است (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص. ۹۸-۹۹).

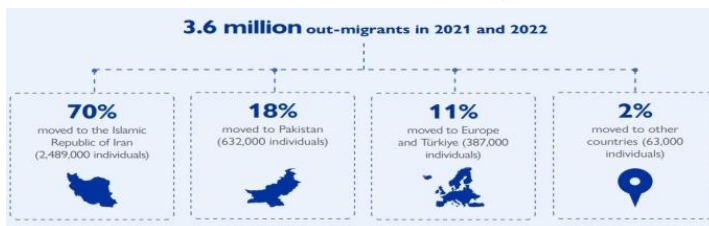
۳-۱-۲. آوارگان و پناجویان افغانستانی

ورود افغانستانی‌ها به ایران در تاریخ معاصر در چندین موج صورت گرفته است؛ از سده ۱۹ میلادی که ناآرامی‌های داخلی ده‌ها هزار نفر از مردم افغانستان را به سمت ایران روانه کرد، تا هجوم سیاسی و سپس نظامی کمونیست‌ها به افغانستان که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی و گشایش درهای کشورهای همسایه شرقی شد.

در ادامه و در پی تحولاتی مانند جنگ داخلی پس از خروج ارتش شوروی از افغانستان، روی کار آمدن طالبان، حمله آمریکا و بازگشت طالبان که تابستان ۱۴۰۰ توانست بار دیگر حکومت را در دست گیرد، امواج دیگری شکل گرفت و هزاران نفر از افغانستان راهی ایران شدند (کاظمی، ۱۴۰۱). سازمان بین‌المللی مهاجرت اعلام کرد در فاصله سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ میلادی ۳/۶ میلیون افغان به دیگر کشورها مهاجرت کرده‌اند.

براساس این گزارش، از این میان ۷۰ درصد (۲/۵ میلیون نفر) به ایران، ۱۸ درصد (۶۳۲ هزار نفر) به پاکستان، ۱۱ درصد (۳۸۷ هزار نفر) به ترکیه و اروپا و ۲ درصد دیگرشان (۶۳ هزار نفر) به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. از میان ۳/۶ میلیون نفر، ۱/۹ میلیون نفر در سال ۲۰۲۱ مهاجرت کردند، سالی که نظام جمهوری سقوت کرد و طالبان برای بار دوم در افغانستان به قدرت رسید (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲).

شکل شماره ۵: پناهندگان و مهاجران افغانستانی (۲۰۲۱-۲۰۲۲)



منبع: خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲ به نقل از: سازمان بین‌المللی مهاجرت، ۲۰۲۲

اگرچه پناهندگان و مهاجران افغان، نقش مؤثری در چرخه اقتصاد ملی ایران به‌ویژه در بخش‌های پرزحمت و طاقت‌فرسا دارند و با توان و تحمل زیاد، دستمزد کمتر و قناعت‌پیشگی، نیروهای مؤثر کاری به شمار می‌آیند؛ اما پیامدهای اجتماعی و امنیتی به‌مانند تشدید آمدوشدهای غیرقانونی و مرزی، فشار بر امکانات خدماتی و زیربنایی، جاسوسی، تغییر ترکیب مذهبی، گسترش قاچاق کالا و مواد مخدر، عملیات تروریستی و... دربرداشته است (کریمی پور، ۱۳۷۹، صص. ۱۰۰-۱۰۱).

سیل آوارگان و پناهندگان افغان علاوه بر اینکه پدیده‌ای اجتماعی است، ابعاد و تهدیدات ویرانگر امنیتی نیز با خود به همراه داشته است. بعد همه‌گیر مهاجرت و حضور افغان‌ها در کشورهای مختلف جهان آن را به مسئله‌ای جهانی که نیازمند راه‌حلی جهانی است، تبدیل کرده است. ایران، همواره در خط مقدم این تهدیدها به‌ویژه حضور میلیونی آوارگان جنگ‌زده افغانستانی بوده است و با هزینه‌های بسیاری در این راستا مواجه شده است.

۳-۱-۳. بنیادگرایی اسلامی (داعش)؛ تهدیدی فرازمانی و مکانی

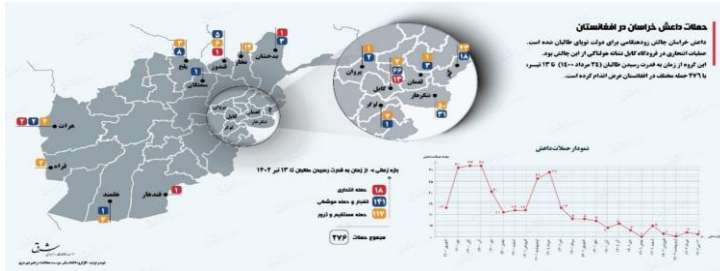
بنیادگرایی لزوماً یک ایدئولوژی و برداشت افراطی از دین اسلام نیست. این پدیده برای رشد خود نیازمند یک سری زمینه‌ها و شرایط ویژه‌ای است. جذب نیروهای بنیادگرا از میان مردمانی فقیر و جنگ‌زده و درعین حال شجاع و دین‌دار، بستری است که افغانستان تمامی آن‌ها را در خود جای داده است.

بنیادگرایی یکی از ریشه‌های مهم افراط‌گری و تروریسم است. این مفهوم به آن معنا نیست که هر فرد بنیادگرا یعنی تروریسم، و تروریسم مساوی با بنیادگرایی است؛ بلکه بنیادگرایی و تأکید بر چهارچوب‌های خشک تفکرات سخت و بدون انعطاف، راه را برای تعصب بیش‌ازحد باز می‌کند و تعصب بیش‌ازحد به افراط‌گری منتهی می‌شود و افراط‌گری می‌تواند انسان را به سمت تروریسم سوق دهد (موصلی، ۱۳۸۸، صص. ۸۸-۸۹).

در ۲۰ سال گذشته، طالبان تهدید شماره یک امنیتی علیه حاکمیت افغانستان و نیروهای نظامی مستقر آمریکایی محسوب می‌شد. اما با سقوط حکومت اشرف غنی و به حاکمیت رسیدن طالبان، اکنون داعش در صدر تهدیدات امنیتی علیه امارت اسلامی افغانستان و نیز کشورهای جهان قرار گرفته است. آغاز دور جدید حملات داعش که با حمله انتحاری در فرودگاه کابل کلید خورد، توانست توجه جهانیان را به خود جلب کند و پس‌از این آغاز خونین، عملیات‌های متعددی شامل انفجار،

سربریدن، ترور و حمله انتحاری را عمدتاً علیه مردم افغانستان به کار گرفته است (حسینی و اخگری، ۱۴۰۲).

شکل شماره ۶: اینفوگرافیک حملات داعش از زمان به قدرت رسیدن طالبان تا ۱۳ تیر ۱۴۰۲



منبع: حسینی و اخگری، ۱۴۰۲

۳-۲. رویکردهای فرصت‌ساز برای ایران در قبال افغانستان طالبان

کارکرد بهینه هر دستگاه مکانیکی، ارگانیکی و حتی سیاسی در وابستگی اساسی با اجزای هماهنگ آن است. چینش اجزا و ایجاد هارمونی لازم برای دریافت بهترین نتیجه، پیش‌نیاز اصلی در ارائه یک دستگاه نظری و عملی است. جبر جغرافیایی افغانستان در کنار موقعیت پیوندگامی ایران، امکان‌ها و امتناع‌هایی برای ارائه راه‌کارهای مؤثر در اختیار ما قرار می‌دهد. استفاده بهینه از داشته‌ها، اصل اول در طراحی این دستگاه پیچیده، مبهم و نامتعادل است. درواقع متغیر اصلی پژوهش به‌قدری دارای تحولات سیال و غیرقابل کنترل است که نمی‌توان تنها با به‌کارگیری یک ابزار به نتیجه رسید. بنابراین ما نیازمند ترکیب هوشمندانه‌ای از دیپلماسی فعال اقتصادی و جلب همکاری‌های جامعه جهانی در بستر این جغرافیای ویژه هستیم. باید تأکید داشت بدون رویکردی راهبردی و طولانی‌مدت نمی‌توان دستگاه نظری و عملی مؤثر و پایداری طراحی و پیشنهاد کرد.

۳-۲-۱. جبر جغرافیایی افغانستان و موقعیت پیوندگامی ایران

دولت‌های محصور در خشکی برای دسترسی به دریا هیچ راهی جز عبور از سرزمین کشور دیگری که سر راه آن‌ها واقع شده ندارند. برای غلبه بر این تنگنا و جبر جغرافیایی، دولت‌های محصور در خشکی باید با کشورهای دریایی همسایه خود رابطه‌ای خوب داشته باشند (میرحیدر و دیگران، ۱۳۹۶، صص. ۱۵۱-۱۵۴). افغانستان از جمله کشورهایی است که به دلیل محصور شدن در خشکی یا نداشتن دسترسی به

دریا، از یک جبر جغرافیایی و تنگنای ژئوپلیتیکی رنج می‌برد. در مقابل، ایران به لحاظ موقعیت ارتباطی، در محور شمال- جنوب، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا و آسیا و اقیانوسیه قرار دارد. از این رو، ایران در معرض تعاملات، استراتژی‌ها، جابه‌جایی‌ها و پدیده‌هایی قرار دارد که به هر نحو با موقعیت ارتباطی ایران مرتبط باشند (حافظ نیا، ۱۳۹۵، ص. ۱۵). سرزمین هیچ کشوری در جهان نیست که ۱۵ درج به آن باز شود و همه این همسایگان نیازمند ارتباط پیوسته با یکدیگرند (کریمی‌پور، ۱۳۹۴، ص. ۷۶). باید توجه داشت که حداقل از حیث موقعیت جغرافیایی، افغانستان و ایران هیچ همسایه‌ای را برای همکاری و همگرایی فراتر از خود نخواهند شناخت؛ چراکه این دو یک روح در دو قالب و یا به عبارت بهتر برادران جدا افتاده یا جدا انداخته‌شده یکدیگرند. ضرورت دارد تا افغانستان و ایران یکدیگر را درک کرده و نیاز به پیوند و پیوستگی را وجدان کنند (کریمی‌پور، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۹). بنابراین می‌توان گفت که جغرافیای ایران این ظرفیت را دارد که زمینه‌ساز ایجاد ارتباط میان افغانستان و کشورهای باشد که علاقه‌مند به حضور در بازار این کشور و سرمایه‌گذاری در آن هستند. بنابراین ایران باید گذرگاهی باشد که حضور این کشورها در افغانستان از طریق آن رقم بخورد. به‌عنوان مثال ایران می‌تواند به گذرگاهی که هند را به افغانستان متصل کند، تبدیل شود؛ البته با وجود اینکه باروی کار آمدن طالبان روابط با هند به گرمی قبل نیست، اما نقش میانجی‌گری را ایفا و از ظرفیت‌های بندر چابهار برای فعال کردن قابلیت‌ها و استعدادهای آبی، کشاورزی، معدنی، معبری و حتی هیدروکربنی افغانستان برای توسعه اقتصادی این کشور استفاده نماید (عظیم نیا، ۱۴۰۲). در مجموع محصوربودن افغانستان در خشکی و مسائل ناشی از آن، عنصری پایدار در روابط دو کشور همسایه محسوب می‌شود (کریمی‌پور، ۱۳۷۹، ص. ۹۴).

۲-۲-۳. ارتقای ضریب امنیت در سایه دیپلماسی اقتصادی فعال

افغانستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و ساختار قومی ویژه‌ای که دارد، در طول چندین دهه گذشته، به منبعی دائمی، برای صدور بحران و تهدید در قبال ایران تبدیل شده است. از این رو، «یجاد امنیت پایدار» برای ایران یک اولویت راهبردی محسوب می‌شود. در میدان افغانستان، دیپلماسی اقتصادی یکی از ابزارها و تاکتیک‌هایی است که باید ذیل راهبرد امنیتی تعریف و عملیاتی شود. توجه به این نکته ضروری است که لازمه روابط اقتصادی مؤثر، وجود امنیت پایدار است. تجربه

توسعه اقتصادی و تجاری غرب در یک‌صد سال اخیر نشان‌داده است که امنیت، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی، نقش کلیدی در تثبیت توسعه سیاسی و اقتصادی غرب ایفا کرده است. براین‌اساس، در مورد همسایه شرقی ایران نیز، «اقتصاد» باید در خدمت «امنیت» به‌کار گرفته شود. همکاری در حوزه اقتصادی، می‌تواند حداقل تضمین‌کننده امنیت، در مناطق و گلوگاه‌های اقتصادی میان دو کشور باشد.

با تسلط طالبان در سال ۲۰۲۱، ماهیت روابط سیاسی و اقتصادی ایران با افغانستان، دچار تغییرات ساختاری و تحولات آن قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که طالبان با خوانش ویژه‌ای که از دین اسلام دارد، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و حکمرانی خود را تنظیم می‌کند و در این مسیر رفتاری بسیار ایدئولوژیک دارد. از این‌رو، برای داشتن دیپلماسی اقتصادی موفق در افغانستان، باید ظرفیت‌های اقتصادی و بازار این کشور، براساس تغییر و تحولات ساختاری بازننگری و بازنویسی شود. به‌عنوان مثال طالبان به‌شدت با فروش کالاهای لوکس و حتی برخی کالاهای مصرفی مقابله می‌کند، چراکه معتقد است این کالاها موجب ترویج مصرف‌گرایی در جامعه اسلامی افغانستان می‌شود. هر کالا و هر عمل اجتماعی و فرهنگی که بوی مصرف‌گرایی داشته باشد طالبان با قدرت با آن برخورد می‌نماید. بنابراین نیاز است تا سازوکارهای جدیدی برای ایجاد دیپلماسی اقتصادی موفق ایران در رابطه با طالبان افغانستان تعریف شود.

بررسی اقلام صادراتی و مزیت‌های نسبی این کشور برای اقتصاد ایران ازجمله خوگرفتن ذائقه میلیون‌ها افغانستانی با کالاهای ایرانی و توانایی ایران در صدور خدمات فنی و مهندسی (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰، ص. ۲۲۴) همچنین مشارکت و سرمایه‌گذاری در منابع معدنی و پروژه‌های زیربنایی، تنها بخشی از واقعیت دیپلماسی اقتصادی ایران است؛ با این‌وجود نباید فراموش کرد که در چند دهه اخیر، افغانستان در مقاطع متوالی و متداوم، تهدید امنیتی برای ایران بوده است؛ و معمای امنیتی افغانستان، همواره مانعی برای دیپلماسی اقتصادی موفق بوده است. تنها در مقطع بسیار کوتاهی ایران توانست در صدر کشورهای صادرکننده به افغانستان قرار گیرد. اما بار دیگر تنش‌های گفتمانی و اختلافات جغرافیایی و مرزی، مانع تثبیت توان اقتصادی ایران در میدان افغانستان شد. دائمی‌بودن تنش‌های گفتمانی باعث شده تا هرگز نتوان خوش‌بینانه در مورد دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان صحبت کرد. باید توجه داشت که بازتولید تهدیدهای سه‌گانه جهانی که افغانستان مقام اول صادرات آن به کشورهای منطقه و غرب را دارد، یکی از فرصت‌هایی است

که می‌تواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل افغانستان را برای ایران، به فرصت‌های اقتصادی و امنیتی تبدیل کند. بدین‌صورت که ایران به‌عنوان خط مقدم دیپلماسی اقتصادی و نیز مخاطب اصلی تهدیدهای سه‌گانه جهانی، باید بتواند از ابزارهای دیپلماتیک خود در جهت رفع این تهدیدها استفاده نماید. درواقع ایران با طرح این سه تهدید در جامعه جهانی، باید همراهی کشورهای ذی‌نفع در این حوزه را در جهت افزایش ضرایب اقتصادی و امنیتی خود در قبال افغانستان، جلب نماید. درمجموع باید گفت که سیاست‌گذاری اقتصادی ایران در کشور افغانستان در قدم نخست باید بر مبنای فهم و شناسایی رخدادهای حادث‌شده در این کشور ساماندهی شود. باین‌وجود باید تلاش کرد تا حد امکان مسیرهای موجود اقتصادی در حوزه‌های تجارت، ترانزیت و صدور انرژی به افغانستان تداوم داشته باشد و همچنین می‌توان با بهره‌گیری از اشتراکات زبانی و فرهنگی، گام‌های جدی‌تری برای پویایی هرچه بیشتر صنعت گردشگری‌های سلامت و مذهبی حداقل در استان‌های شرقی کشور برداشت. در جهان امروز، از گردشگری سلامت و توریسم درمانی به‌عنوان یک راه‌کار برای افزایش درآمد ملی استفاده می‌شود (ایزدی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶۹). بنابراین ایران با توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی همچون «تجهیزات مدرن درمانی و نیروهای متخصص پزشکی» می‌تواند مطلوب‌ترین مقصد گردشگری سلامت، برای شهروندان همسایه شرقی خود باشد. شیعیان افغانستان بیش از ۲۰ درصد از جمعیت ۴۰ میلیونی افغانستان را تشکیل می‌دهند، این ویژگی با هماهنگی‌های دیپلماتیک و اصلاح قوانین در رفت‌وآمدهای مرزی، می‌تواند در نزدیکی هرچه بیشتر فرهنگی دو کشور و نیز آورده اقتصادی برای ایران مؤثر واقع شود.

۳-۲-۳. جلب همراهی و همکاری جامعه جهانی با محوریت ایران

ترس از تهدید به‌اندازه خود تهدید مؤثر است. با این استدلال دستگاه دیپلماسی ایران باید در راستای جلب نظر و همراهی جامعه جهانی به‌ویژه غرب برای کاهش تهدیدات سه‌گانه فعال شود. مواد مخدر با عبور از ایران و ترکیه به سمت اروپا و آمریکا گسیل می‌شود. همچنین سیل پناهندگان به مقصد ایران، پاکستان و ترکیه و درنهایت اروپا به‌عنوان تهدید امنیتی، تمامی این کشورها را با چالش‌های بسیاری مواجه کرده است. علاوه بر این، تهدیدها و رفتارهای بنیادگرایان اسلامی نشان‌دهنده که در مقاطع خاص می‌توانند در قلب اروپا عملیات تروریستی انجام دهند. به باور کارشناسان، حمله‌های داعش در سال ۲۰۱۵ در شهر پاریس از منظر ابعاد عملیاتی،

بزرگ‌ترین عملیات تروریستی این گروه در خارج از قلمرو تحت کنترل آن بوده است (امیراحمدیان، ۱۳۹۴). هرچند در طی دهه‌های گذشته ایران با تقدیم شهدای مرزبانی بسیاری توانسته است تهدیدات بزرگ امنیتی را کاهش دهد، اما باید گفت که ایران به‌تنهایی قادر به مقابله با این حجم تهدید نیست. بنابراین از آنجایی که این تهدیدها جهانی است، جهانیان نیز باید سهم خود را برای برقراری امنیت و دفع این تهدیدها پرداخت نمایند. تمامی این تهدیدها در شرایطی بازتولید شده است که با خروج آمریکا از افغانستان، طالبان توانست تنها قدرت مطلق در این کشور باشد. هرچند پیش‌تر قدرت‌های بزرگی همچون اتحاد جماهیر شوروی و بعدها ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان حضور فعال داشتند، اما امروز در میدان افغانستان طالبان، بازیگران دیگری همچون پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی و قطر به‌عنوان نیروهای تأثیرگذار مطرح هستند؛ اما دغدغه مهم این است که هیچ‌یک از این کشورها، ظرفیت‌های سیاسی و نظامی لازم برای تبدیل‌شدن به بازیگر نقش اول را در این سناریوی امنیتی ندارند. در مجموع باید گفت که افغانستان امروز با چند مسئله مواجه شده است؛ آمریکا به‌عنوان قدرتی بزرگ بعد از دو دهه از این کشور خارج‌شده، طالبان به‌عنوان گروه مسلط قدرت را در دست گرفته، شرایط اقتصادی این کشور دچار تلاطم‌ها و پیچیدگی‌های شدیدی شده است و مردم افغانستان نیز با چالش‌های حیاتی همچون قحطی و گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در چنین شرایطی، بنابر گزارش سازمان ملل متحد، ۱۷ میلیون نفر در افغانستان در سال ۲۰۲۳ با گرسنگی حاد روبرو هستند و این کشور در معرض بالاترین خطر قحطی قرار دارد. این درحالی است که بنابر اعلام دفتر هماهنگی کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد، کمک‌های غذایی به افغانستان نیز در سال ۲۰۲۳ نسبت به گذشته، ۲۵ درصد کاهش یافته است (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲). همچنین، با روی کار آمدن طالبان، محدودیت‌های مالی و ارزی اعمالی از سوی جامعه جهانی به‌ویژه آمریکا، بر مشکلات جامعه افغانستان افزوده است.

در چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد، طالبان برای ایجاد ثبات اقتصادی کشور، نقش کشورهایایی همچون چین را برجسته‌تر از پیش می‌داند. در واقع گردش به شرق افغانستان به‌مانند مسئله تحریم در ایران، ناشی از عدم همکاری از جانب طرف غربی است. باید توجه داشت که طالبان در طی این دو سال نشان‌داده است که بر روی مسئله تأمین معیشت حساس و فعال است. به‌طوری‌که در مدت بسیار کوتاهی از تسلط خود بر افغانستان، مرزهای گمرکی خود با همسایگان را به‌سرعت فعال نمود و

فراخوانی برای سرمایه‌گذاری در معادن و زیرساخت‌های افغانستان به‌ویژه راه‌های ارتباطی منتشر کرد. این مسئله به‌تنهایی نشان می‌دهد طالبان امروز، در رویکرد خارجی متفاوت‌تر از طالبان دیروز است. بنابراین ایران در چنین شرایطی به‌عنوان همسایه‌ای توانمند در حوزه‌های مختلف اقتصادی و مهندسی، می‌تواند رقیب سرسختی برای سایر همسایگان و بازیگران در فضای افغانستان باشد. لازمه پیشسازی ایران در عرصه اقتصادی افغانستان، بهره‌گیری مؤثر از ابزارهای دیپلماتیک و جلب همراهی و همکاری جامعه جهانی است؛ به‌ویژه نقش چین به‌عنوان متحدی راهبردی، می‌تواند موانع موجود بر سر راه ایران را به‌مانند میانجی‌گری این قدرت، میان ایران و عربستان سعودی هموار سازد. لزوم هماهنگی و همکاری مؤثر با دولت چین درباره افغانستان، می‌تواند ایران را به اهداف اقتصادی و امنیتی خود نزدیک‌تر کند.

نتیجه‌گیری

افغانستان منشأ صدور سه تهدید بزرگ جهانی است. این کشور بحران‌زا و بحران‌زیست، به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان، در نبود زیرساخت‌های اقتصادی لازمی که بتواند معیشت مردمان خود را تأمین کند، به تولید هرچه بیشتر کشت خشخاش روی آورده و خواهد آورد. معبر و مقصد اصلی مواد مخدر تولیدی در وهله اول، ایران و درنهایت کشورهای اروپایی و غربی است. درکنار این تهدید سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی، سیل عظیم مهاجران، پناهجویان و آوارگان جنگ‌زده که به دلایل اقتصادی و امنیتی از افغانستان خارج و به سمت ایران، پاکستان، ترکیه و اروپا سرازیر می‌شوند، مؤلفه دوم و تهدید امنیتی برای کشورهای مقصد است. باوجود جمعیت بالای آوارگان افغانستانی در کشورهای اروپایی، ایران بالاترین سهم از این میهمانان ناخوانده را دارد. این دو عامل در کنار عامل سوم یعنی بنیادگرایی اسلامی (داعش)، موجب پیچیدگی هرچه بیشتر این معمای امنیتی شده است. به‌طوری‌که باوجود تسلط نسبی طالبان در افغانستان، نیروهای بنیادگرای اسلامی به‌مانند داعش در طی دو سال اخیر اقدام به بمب‌گذاری و تهدیدات تروریستی بسیاری کرده‌اند. از این‌رو، هنوز تهدید داعش برای کشورهای منطقه و جهان پابرجا است.

با نگاه و رویکردی غیرمرسوم و درعین‌حال راهبردی می‌توان این سه تهدید جهانی را به فرصت‌هایی در جهت تأمین منافع ملی ایران تبدیل کرد. در همین راستا

ایران با طرح این سه تهدید جهانی، باید بتواند همکاری هرچه بیشتر سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی را در جهت توسعه اقتصادی و سیاسی افغانستان طالبان جلب کند.

ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود می‌تواند نقشی راهبردی را در میان همسایگان افغانستان طراحی و اجرا کند. به‌همین منظور، ضروری است تا مزیت‌های اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای همسایه افغانستان مورد بازنویسی و بازتعریف قرارگیرد. در واقع باید توان و مزیت‌های اقتصادی کشورهایی به‌مانند چین، هند، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و... در حوزه‌های انرژی، صنایع غذایی، صنعت فولاد، تجهیزات مدرن و تکنولوژیک و نیز صادرات خدمات فنی و مهندسی مورد ارزیابی و تحلیل دوباره قرارگیرد. بنابراین در فضای پس از خروج آمریکا، نیاز به بازنگری و بروز کردن این بازار است؛ چراکه دغدغه‌های فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی طالبان، با دولت پیشین افغانستان بسیار متفاوت است. ایران باید بتواند در کنار اقلام صادراتی خود، از اشتراکات فرهنگی و دینی، برای توسعه صنعت توریسم پزشکی و مذهبی بهره‌برداری نماید. تمام این اهداف و منافع باید ذیل تأمین امنیت پایدار و پاسخ به دغدغه‌های امنیتی ایران تعریف شود.

در همین راستا و در جهت تکمیل پروسه امنیتی، ایران با فعال‌سازی دستگاه دیپلماسی خود نزد سازمان‌های جهانی، باید بتواند همکاری کشورهای غربی را برای تضمین منافع امنیتی مدنظر خود به کار گیرد. همان‌طور که در بحث مبارزه با مواد مخدر، ایران بیشترین هزینه و شهید را در این راه صرف کرده است و کشورهای اروپایی همواره کمک‌های تجهیزاتی و مالی برای ایران در نظر گرفته‌اند؛ این تهدیدات با حضور داعش در افغانستان و نیز سیل مهاجران ابعاد بسیار خطرناک‌تری به خود می‌گیرد که می‌توان بر سر آن‌ها با کشورهای اروپایی و غربی چانه‌زنی کرد. به‌عبارتی دیگر، ایران با این رویکرد از یک تهدید مشترک جهانی، در جهت منافع اقتصادی و رفع دغدغه‌های امنیتی خود بهره خواهد برد.

ایران با این کار به دو هدف مهم دست پیدا می‌کند؛ نخست اینکه هزینه مقابله با این سه تهدید را به‌تنهایی متحمل نمی‌شود و در وهله دوم، منافع اقتصادی و امنیتی خود در افغانستان را تضمین خواهد کرد؛ چراکه با تضمین منافع اقتصادی در افغانستان، نگرانی‌های امنیتی نیز کاهش خواهد یافت. همواره در طول تاریخ، اقتصاد پایدار نیازمند امنیت پایدار بوده است. بنابراین سرمایه‌گذاری و رهبری ایران در ایجاد امنیت پایدار افغانستان نه‌تنها تأمین‌کننده منافع استراتژیک ایران در این

کشور خواهد بود، بلکه می‌تواند ایران را به‌عنوان درب اصلی دیپلماسی اقتصادی و سیاسی افغانستان برای جهان معرفی کند. در مجموع می‌توان گفت که حل معمای امنیتی افغانستان در سایه فاعلیت دیپلماسی اقتصادی ایران و همراهی بازیگران مؤثر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امکان‌پذیر است. لازم به تأکید است که این رویکرد باید راهبردی، ترکیبی و پایدار باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ علی‌پور، حسین (۱۴۰۱). *فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی چین در آسیای مرکزی*. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۱)، ۲۷-۵۸.
- اسماعیلی، مصطفی؛ فراهانی، روح‌الله (۱۴۰۱). *پیامدهای امنیتی خروج آمریکا از افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران: با تأکید بر گسترش تحرکات گروهک‌های تکفیری و تروریستی*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۴)، ۱۰۷-۱۳۹.
- ایزدی، مرتضی؛ ایوبیان، علی؛ نصیری، طه؛ جنیدی، نعمت‌الله (۱۳۹۱). *وضعیت گردشگری سلامت در ایران: فرصت و تهدید*. مجله طب نظامی، ۱۴(۲)، ۶۹-۷۵.
- ترابی‌فرد، میلاد؛ رزم‌آهنگ، مهدی؛ قاسمی، فرزانه (۱۴۰۱). *خنثی‌سازی تحریم و جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل به‌مثابه نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۴)، ۷۵-۱۴۰.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۵). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: سمت.
- حسینی، سیده لطیفه؛ حسینی، نرگس سادات؛ حسینمردی، محمدمهدی؛ عصمتی، زینب (۱۴۰۱). *مسئولیت حمایت و استیلای طالبان بر افغانستان در پرتو دیالکتیک هنجارهای بشری*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۴)، ۲۵۳-۲۷۳.
- خلیلی، محسن؛ حیدری، جهانگیر؛ صیادی، هادی (۱۳۹۲). *پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: افغانستان و ایران)*. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۹(۱)، ۳۷-۷۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ صالحی، مختار (۱۳۹۱). *دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: (با تأکید بر پنج شاخص جهانی شدن اقتصاد)*. فصلنامه پژوهش اقتصادی ایران، ۱۷(۵۲)، ۷۳-۱۱۴.
- رامیار، سید جواد؛ مجد، علی‌اکبر؛ مظلوم خراسانی، محمد (۱۳۹۷). *نقش کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی- اجتماعی افغانستان*. دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۶(۱۳)، ۱-۳۲.
- راوندی، بهار؛ برزگر، کیهان؛ ازغندی، علیرضا (۱۴۰۱). *ارائه الگوی راهبردی سیاست همسایگی برای ج.ا. ایران*. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۴(۵۲)، ۱-۱۵.
- زرقاتی، سید هادی؛ رضوی نژاد، مرتضی (۱۳۹۲). *ژئوپلیتیک مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی (نمونه موردی: مرز خراسان رضوی با افغانستان)*. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۱(۱)، ۱-۲۷.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۰). *پردازش مفهوم امنیت زیست‌محیطی (رابطه امنیت و اکولوژی)*. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۷(۳)، ۸۰-۱۰۰.

- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)*. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت‌معلم.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۹۴). *جغرافیا، نخست در خدمت صلح (نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان)*. تهران: انتخاب.
- عباسی، ابراهیم؛ رنجبردار، مجید (۱۳۹۰). *کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن*. فصلنامه روابط خارجی، ۳(۱۱)، ۱۹۵-۲۲۹.
- عسکری کرمانی؛ صفار، آرش (۱۴۰۱). *پیامدهای ظهور دوباره طالبان برای دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان*. فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۴(۱)، ۹۷-۱۲۱.
- متقی، افشین (۱۳۹۵). *تحلیل تطبیقی احساس امنیت در قلمروهای مرزی (نمونه‌ی موردی: کردستان ایران و کردستان عراق)*. فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۸(۴)، ۲۹-۴۲.
- منوری، سید علی؛ کشوریان آزاد، محسن؛ صداقتی، مبارکه (۱۴۰۱). *راهبرد چین جهت گسترش همکاری با طالبان پس از خروج آمریکا*. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۲)، ۶۴-۹۳.
- موسوی‌نیا، سید رضا (۱۴۰۱). *آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه همسایگی*. فصلنامه مطالعات کاربردی و بنیادین جهان اسلام، ۳(۱۰)، ۱۱۵-۱۳۱.
- موصلی، احمد (۱۳۸۸). *مبانی نظری بنیادگرایی*. ترجمه محمدرضا آرام و علیرضا نظری. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- میرحیدر، ذره؛ راستی، عمران؛ میراحمدی، فاطمه سادات (۱۳۹۶). *مبانی جغرافیای سیاسی*. تهران: سمت.
- یوسف زهی، ناصر؛ فرزانه پور، حسین؛ بخشی، احمد (۱۳۹۷). *آسیب‌شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (۲۰۱۸-۲۰۰۱)*. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۳(۲)، ۱۸۷-۲۲۴.

منابع اینترنتی

- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۹۴، آبان ۲۴). *تروریسم داعش در قلب اروپا*. روزنامه همشهری.
<https://www.hamshahrionline.ir/news/313913>
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۴۰۰، شهریور ۲۳). نشست علمی «راهبرد بحران زدایی در افغانستان»؛ پیشنهاد راهبردی دکتر حافظ نیا برای پایان بحران در افغانستان و تحقق صلح در این کشور. انجمن ژئوپلیتیک ایران.
<https://iaig.ir>
- حسینی، جاوید؛ اخگری، سمانه (۱۴۰۲، تیر ۱۳). *نقشه پراکندگی حملات داعش در افغانستان*. موسسه مطالعات راهبردی شرق.
<https://www.iess.ir/fa/event/2815>
- خبرگزاری تسنیم (۲ فروردین ۱۴۰۲). *کاهش چشمگیر کمک‌های سازمان ملل به افغانستان*.
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1402/01/02/2870648>
- خبرگزاری تسنیم (۱۸ خرداد ۱۴۰۲). *مقصد اول پناهجویان افغان در دو سال اخیر کدام کشور بوده است*.
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1402/03/18/2907886>
- سام گیس، بنفشه (۱۴۰۱، بهمن ۱۹). *رشد ۵۶ هزار هکتاری کشت خشخاش در نخستین سال حکمرانی طالبان*. روزنامه اعتماد. بازیابی شده از
<https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/197447>
- کاظمی، سید محمد موسی (۱۴۰۱، خرداد ۶). *پژوهش‌ها درباره مهاجران افغانستانی چه می‌گویند؟*. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
<https://www.irna.ir/news/84762952>
- عظیم نیا، وحید (۱۴۰۲، خرداد ۱۰). *تعامل با طالبان با دیپلماسی اقتصاد و راهبرد چندوجهی ممکن می‌شود*. روزنامه جوان.
<https://www.javann.ir/004ry1>
- نوروژی، مجتبی (۱۴۰۱، خرداد ۱). *جایگاه مواد مخدر در اقتصاد افغانستان*. روزنامه شرق.
<https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-846777>

References

- UNODC Research Brief (November 2022). *OPIUM CULTIVATION IN AFGHANISTAN Latest findings and emerging threats*.
https://www.unodc.org/unodc/frontpage/2022/November/afghanistan-opium-cultivation-in-2022-up-by-32-per-cent_-unodc-survey.